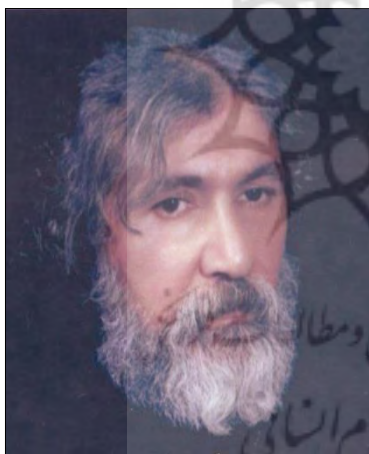


عباس کمندی، آنگونه که من شناختم

محسن صالحی*

سخن درباره هنرمند بزرگی از دیار کردستان ایران است که با وجود شهرت و آوازه فراوان در برخی زمینه‌های هنری همچون خوانندگی و



آهنگسازی، هنوز قدر و منزلت او در بسیاری از عرصه‌ها و زمینه‌ها و به‌ویژه نقش بی‌بدیش در «بازشناسی شخصیت‌های تاریخ معاصر کردستان» و «تجدید حیات فرهنگ مردم قوم کرد» ناشناخته و مجهول، باقی مانده است.

کمندی؛ هنرمندی چندبعدی

استاد عباس کمندی (۱۳۳۱-۱۳۹۳)

را باید یک هنرمند چندارزشه یا شخصیت فرهنگی چندبعدی و نسبتاً جامع

* کارشناسی ارشد تحقیق در ارتباطات، پژوهشگر ارشد صداوسیما

توصیف کرد که در زمینه‌های مختلف هنری و ادبی مانند شعر، موسیقی، آواز، نگارش فیلمنامه، داستان، قصه‌پردازی، مردم‌شناسی، نقاشی و نگارگری، دارای مهارت و تخصص گرانبها و خلاقیت و نوآوری کم‌نظیری بود و جالب این است که ایشان تحصیلات عالی و مدارک دانشگاهی در هیچ یک از رشته‌های یادشده نداشت و صرفاً با اتکا به قریحه و نبوغ ذاتی خود توانست به خلق و آفرینش آثار ادبی و هنری ارزشمند و تولید و فرآوری محصولات فرهنگی ماندگار در زمینه‌های گوناگون دست یازد. البته در این میان عشق و علاقه وافر او به سرزمین مادری و موارث معنوی پیشینیان، اکسیری است که خاک‌ها را در نظر او کیمیا ساخته و دهان و زبان و قلمش را به دُرُفشانی و میناگری و نازک‌کاری در عرصه اندیشه و احساس واداشته است.

در قامت یک موسیقیدان

مهم‌ترین وجه اشتهار استاد کمندی از روزگاران گذشته تاکنون در میان جامعه هنری منطقه و کشور، آهنگسازی و خوانندگی بوده است. در این میان بر حسب اطلاعات موجود از دهها اثر موسیقایی که وی در ساخت و اجرای آنها نقش داشته، تنها چهار نوار کاست و لوح فشرده با عنوان‌های «اورامان»، «گلاویژ»، «پرشنگ» و «کیژی کورد» با همکاری خانواده ارجمند و پرآوازه «کامکارها» به بازار عرضه شده که با استقبال فراوان علاقمندان مواجه شده است. به اذعان کارشناسان در همین چهار اثر نیز کمندی به جای آنکه مانند بسیاری از خوانندگان و آهنگسازان معاصر به تکرار دیگران بپردازد و آواهای کهنه را بازخوانی کند، نغمه‌های تازه‌ای سروده است که این امر از خلاقیت و نوآوری او در این زمینه، حکایت دارد.

عباس کمندی، آنگونه که من شناختم ❖ ۲۰۳

اما تقلیل فعالیت‌های گسترده هنری و خدمات متنوع فرهنگی و ادبی استاد کمندی به عرصه موسیقی و آواز، اجحاف بزرگی در حق این هنرمند دردآشنا و دلسوز است چرا که موسیقی تنها یکی از زمینه‌های فعالیت ایشان را تشکیل می‌داد. استاد کمندی در همین عرصه موسیقی، علاوه بر کارهای عملی و تولید آثار جذاب و تأثیرگذار، به تلاش و تکاپوی ذهنی و فکری و نظریه‌پردازی برای شناخت و معرفی مبانی موسیقی سنتی کردستان و بررسی ارتباط وثیق آن با موسیقی اصیل ایرانی، روی آورده است که حاصل این تأملات و تفکرات، سال‌هاست در قالب دو دفتر دستنویس، در واحد فرهنگ مردم صداوسیما نگهداری می‌شود.

در مقام یک فیلمنامه‌نویس

یکی دیگر از ابعاد شخصیت فرهنگی و هنری استاد کمندی که کمتر شناخته شده است، قدرت نویسندگی و اهل قلم بودن وی است که این استعداد شگرف ایشان، بیشتر در زمینه نگارش فیلمنامه، نمایشنامه، داستان‌نویسی‌ها و قصه‌پردازی‌های تاریخی و اجتماعی، متجلی شده است. استاد کمندی با اتکا به مطالعات عمیق و مستمر خویش و اشراف و احاطه فراوانش بر روند تحولات فرهنگی و تاریخی منطقه، تاکنون ده‌ها فیلمنامه و اثر نمایشی درباره وقایع مهم سیاسی و آداب و رسوم اجتماعی و مشاهیر و شخصیت‌های بزرگ تاریخ معاصر کردستان، پدید آورده است که برخی از آنها در قالب برنامه‌های تلویزیونی، تولید و از شبکه‌های سراسری و استانی، پخش شده است اما بیشتر این آثار نمایشی فاخر و طرح‌های تولیدی آموزنده و پرمحتوا، همچنان بر روی کاغذ، باقی مانده است. از جمله این آثار می‌توان به فیلمنامه‌های مطرح و

۲۰۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

ماندگاری چون «میرنوروزی»، «زهر افعی»، «طاعون مسلح»، «کرد و کتی»، «پرواز در قفس»، «سنجرخان» و ده‌ها طرح دیگر، اشاره کرد.

فیلمنامه‌ها و آثار نمایشی و ادبی استاد کمندی، افزون بر جنبه‌های قدرتمند هنری و فنی، سرشار از مضامین عرفانی و معنوی و پیام‌های انسانی و اخلاقی و ارزش‌های دینی و اعتقادی است و وفاداری‌های ملی و میهنی و احترام به سنت‌ها و باورهای اصیل ایرانی و اسلامی در آنها موج می‌زند و تحکیم مبانی وحدت ملی در عین توجه به هویت قومی مردم منطقه، درون‌مایه اصلی این آثار را تشکیل می‌دهد. به نظر می‌رسد استاد کمندی را به علت دارا بودن این ویژگی‌ها می‌توان «علی حاتمی کردستان»، نامید زیرا ایشان نیز ضمن پایبندی به اصول کار حرفه‌ای و مبانی تخصصی فعالیت‌های هنری و مشارکت در کارگردانی و تولید فیلم‌ها، عشق و علاقه و دلبستگی خاصی به فرهنگ، ادبیات، تاریخ و تمدن ایران دارد و استعداد و نبوغ ادبی و هنری خود را یک سره در خدمت احیا، اشاعه و انتشار ارزش‌ها و سنت‌های اصیل اخلاقی و اجتماعی و تقویت هویت قومی و ملی ایرانیان قرار داده است.

استاد کمندی در اهمیت و ضرورت معرفی و شناساندن شخصیت‌ها و مشاهیر ملی و محلی به نسل‌های حاضر و آینده چنین می‌نویسد: «...امروز دیگر هیچ بویی، روح را اشباع نمی‌کند... حرص و آز و تملق و چاپلوسی طوری قلب و روح و روان آدم‌ها را پر کرده که دیگر جایی، برای عشق واقعی و محبت راستین نیست. به آینده بنگرید که معنی عشق را فقط در فرهنگ لغات و واژه‌نامه‌های مدون باید جست و آدمیت جای خود را به توحش و عصیان و خودپرستی خواهد داد و از آدم جز یک هیکل مهاجم و نگاه سرخ و حریص برجای نخواهد ماند. باید ترسید. باید کوشید. باید مشاهیر عشق و اساطیر گذشت و فداکاری را از نو زنده کرد و سپر بلایا قرار داد. امروز دیگر

عباس کمندی، آنگونه که من شناختم ❖ ۲۰۵

نقب خندق و دیوارهای بلند و کنگره‌های مشبک از تیر دشمن و هجوم خصم جلوگیری نمی‌کند و هیچ قفلی راه را بر دزد نخواهد بست مگر اقتدا به فرهنگ نیاکان و اشاعه معنویت و خداشناسی که همه چیز را در برمی‌گیرد...». نویسنده در پایان مقدمه‌اش بر فیلمنامه زهر افعی که باید آن را شاهکاری ادبی و اثری درخشان در حوزه داستان‌های نمایشی و فیلمنامه‌های مربوط به تاریخ معاصر ایران دانست، چنین نگاشته است: «... من در تدوین این ماجرا، شمع‌آسا سوختم و قطره قطره بر اوراق آن چکیدم تا به پایان رسیدم. ورقی در آن نیست که آلوده به اشکم نباشد. زهر افعی، عشق من، جوهره احساس و عصاره تمام وجود مادی و معنوی من است و در واقع آخرین شعری که خوب سرودم...».

در شمایل یک مردم‌پژوه

یکی دیگر از زوایای ناشناخته شخصیت استاد کمندی و ابعاد پنهان فعالیت‌های فکری و فرهنگی ایشان، خدمات و آثار ارزنده و ماندگاری است که در حوزه فرهنگ و ادبیات عامیانه مردم منطقه یا همان «فولکلور کردستان» پدید آورده و در واقع با کوشش و تلاش خستگی‌ناپذیر خود، روح تازه‌ای به کالبد جریان مردم‌شناسی فرهنگی و اجتماعی کردستان دمیده است.

شاید به استناد کارنامه پر و پیمان استاد کمندی در این زمینه بتوان گفت حوزه اصلی علایق و گرایش‌های فکری و پژوهشی وی تحقیق و تتبع درباره فرهنگ عامیانه و آداب و رسوم محلی مردم کردستان و جمع‌آوری تاریخ و فرهنگ شفاهی منطقه است. حوزه‌ای که این پژوهشگر مردم‌شناس، سال‌های طولانی از عمر شریف خود را در راه شناسایی، استخراج، جمع‌آوری و تدوین میراث معنوی و ذخایر ادبی، انباشته در دل و جان مردم کوچه و بازار و

رمزگشایی از صندوقچه‌های اسرار موجود در سینه‌های پیران و سالخوردگان مناطق شهری و روستایی کردستان، سپری کرده است.

تا جایی که نگارنده اطلاع دارد، روایت «ورزش و سرگذشت ورزش باستانی در کردستان» که در سال ۱۳۶۱ به صورت کتاب انتشار یافت یکی از نخستین آثار استاد کمندی در حوزه مردم‌شناسی تلقی می‌شود. پس از آن، استاد کمندی جزوه کوچکی را در مقام معرفی خواننده جاودانه‌گرد مرحوم «سیدعلی اصغر کردستانی» و تکریم شخصیت این صدا و نوای افسانه‌ای آواز ایران، در سال ۱۳۶۴ انتشار داد. اما اینها نمونه‌ای کوچک از کارهای بزرگ و ارزشمندی است که استاد کمندی در سال‌های پیش و پس از این مقطع، در راستای معرفی امانات و مواریث و ذخائر فرهنگی و تاریخی و ادبی مردم منطقه، انجام داده است.

از دیگر کارهای شاخص و آثار درخشان ایشان در این حوزه می‌توان به مجموعه «حاضر جوابی‌های شیرین از چهارگوشه کردستان»، «افسانه‌های زاگرس» شامل قصه‌ها و حکایات قدیمی کردی و «گلزار ادبیات فولکلور کردی» در برگیرنده بیش از دو هزار بیت شعر و ده‌ها مطلب و موضوع فرهنگی و ادبی از مناطق مختلف کردستان اشاره کرد. یکی از خدمات بزرگ و کارهای ارزشمند آقای کمندی در این عرصه جمع‌آوری و تدوین و تصحیح اشعار عرفانی «میرزا شفیع پاه‌ای» به گویش اورامی است که با تحمل زحمات و رنج‌های بسیار و با استفاده از منابع شفاهی در یک دوره زمانی طولانی انجام گرفته است. نسخه دستنویس منحصر به فرد دیوان اشعار میرزا شفیع، ارمغان دیگری است که استاد کمندی بی‌اجر و منت آن را به بوستان شعر و ادب کردی، تقدیم کرده است.

در هیئت یک شاعر

یکی دیگر از ابعاد شخصیت فرهنگی و هنری استاد کمندی که تا حدودی از ابتدا در نزد علاقمندان آثار ایشان معلوم و مکشوف بوده است، قدرت و قریحه شاعرانه و نکته‌پردازی‌های ادیبانه وی است. با وجود آنکه استاد کمندی از دوران جوانی طبع شعر و ذوق ادبی خود را با موفقیت آزموده و آثار منظوم ایشان به ویژه اشعاری که به گویش‌های کردی (اورامی و سورانی) سروده‌اند، با استقبال فراوانی روبرو بوده است اما تا چند سال پیش از این، اشعار وی به شکل مدون در دسترس اهل ذوق و احساس، قرار نداشته است. گزیده‌ای از مجموعه اشعار استاد کمندی به دو زبان فارسی و کردی در دفتری با عنوان «هوار گه هاوار» (خیمه‌گاه فریاد) با هزینه شخصی شاعر، در سطحی محدود، انتشار یافته است. این دفتر شعر ضمن آن که به خوبی توانایی ایشان را در این عرصه، به خصوص در سرودن اشعار کردی، نشان می‌دهد، دیدگاه‌های اصیل فرهنگی و تاریخی وی را نیز در قالب این‌گونه آفرینش‌های ادبی بازتاب می‌دهد.

آقای کمندی در سرآغاز بخش فارسی دفتر اشعار خود این شعر زیبای کردی را گنجانده است که به خوبی طرز تفکر و نحوه نگرش او را در تبیین رابطه زبان و ادبیات کردی با زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ملی، نشان می‌دهد:

ئه گر چی کوردی خوش و دل نشینه
agar i kurdi xo o delne ina
گرچه زبان کردی خوش و دل‌نشین است
بلام فارسی ژوبانیکی به تینه
bâlâm fârsi zowbanikey bateynah
لیکن فارسی، زبانی پرحرارت و شورانگیز است

۲۰۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

amânah du berân dâykey amo aow نه مانه دو بران، دایکی نه م و نه و

این دو زبان، برادر هم هستند و

avestây pahlavey delâvarine نه وستای په هله وی دل ئاورینه

زبان دنواز اوستای پهلوی، مادر آنها محسوب می‌شود

به لی هه ردو بران، هه م کورد و هه م فارس

bali hardow berân ham kurdo ham fârs

آری زبان کردی و فارسی با هم برادرند

yakeyki akar aoyak angabina یه کیکی شه کر نه و یه ک نه نگه بینه

و یکی از آنها شکر و دیگری عسل است.

به هر روی استاد عباس کمندی، از جمله هنرمندان بزرگ کردستان، به شمار می‌رود که لؤلؤ و مرجان‌های ذی‌قیمتی را در صدف وجود خود، پرورش داد و در طول حیات پربار خود، خدمات ماندگار و ارزشمندی به فرهنگ و هنر ملی و محلی ایران، ارزانی داشت و با زبان و قلم شیرین و سحرآمیزش، در جهت تقویت هویت قومی و تحکیم مبانی وحدت ملی مردم منطقه، کوشید. هرچند که همچنان قدرش ناشناخته و مجهول باقی مانده و بسیاری از آثار و نوشته‌های ایشان هنوز چاپ و منتشر نشده است.

بی‌تردید نام عباس کمندی به‌عنوان شخصیتی چندبعدی و هنرمندی چندارزشه در تاریخ فرهنگ و هنر کردستان و ایران ثبت خواهد شد و آیندگان درباره زندگی و افکار او و آثار و خدماتش بیشتر سخن خواهند گفت زیرا حضور تأثیرگذار او در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و هنری منطقه و کشور الهام‌بخش و برانگیزاننده بسیاری از رهروان این راه روشن، خواهد بود. وی در اول خرداد ۱۳۹۳ چشم از جهان فرو بست.